خبر

افزایش ۱۴درصدی مصرف سی‌ان‌جی در کشور

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از افزایش ۱۴درصدی مصرف سی‌ان‌جی در کشور پس از اصلاح نرخ سوم بنزین خبر داد. به گزارش مهر به نقل از وزارت نفت، کرامت ویس کرمی در گفت‌وگویی، درباره تغییر الگوی مصرف سوخت در کشور پس از اصلاح نرخ سوم بنزین بیان کرد: پس از اعمال نرخ سوم بنزین، میانگین مصرف روزانه سی‌ان‌جی در کشور از ۱۴میلیون و ۷۰۰ هزار مترمکعب در مرداد، به حدود ۱۶میلیون و ۷۰۰ هزار مترمکعب در مهر رسیده است. وی با بیان اینکه مصرف روزانه سی‌ان‌جی در این بازه حدود ۱۴درصد رشد داشته است، افزود: این افزایش ۲میلیون مترمکعبی در مصرف سی‌ان‌جی، به‌صورت مستقیم معادل جایگزینی و صرفه‌جویی روزانه نزدیک به ۲میلیون لیتر بنزین در چرخه سوخت کشور است که تأثیر بسزایی در مدیریت مصرف سوخت و کاهش بار سبد بنزین دارد.

ادامه از صفحه اول

پاریس، اقتصاد و خیابان

همان معیارهای حقوقی سنجیده شود. معیار واحد یعنی نه مصونیت دولت‌های غربی از نقد و نه مصونیت دولت‌های غیرغربی از پاسخگویی.

اروپا؛ بحران مشترک یا سرایت اعتراض؟
گسترش همبستگی به ایتالیا، بلژیک، یونان و آلمان را می‌توان «سرایت» نامید، اما این واژه به تنهایی گمراه‌کننده است. اعتراضات ایتالیا با شعار «بیایید مانند فرانسه عمل کنیم»(Facciamo come in Francia) الگوبرداری می‌کند، اما ریشه در بحران مسکن و بودجه آموزش دارد. در بلژیک محور اعتراض شهریه است، در یونان هزینه زندگی و اجاره‌بها و در آلمان سیاست تسلیحاتی و بازگشت خدمت سربازی. براساس گزارش‌های منتشر شده، حدود ۱۵ کشور اروپایی شاهد تغییرات در حوزه آموزش بوده‌اند، بنابراین آنچه در اروپا می‌گذرد، نه تنها «صادرات اعتراض فرانسوی»، بلکه بحران مشترک اولویت‌های بودجه‌ای است: دولت‌ها زیر فشار کسری بودجه و بدهی، هزینه‌های عمومی را کاهش می‌دهند و جوانان هزینه آن را می‌پردازند. البته باید میان همزمانی اعتراضات و وجود یک علت مشترک تمایز گذاشت. اینکه در چند کشور تجمع‌هایی برگزار می‌شود، به تنهایی ثابت نمی‌کند که همه آنها بخشی از یک موج هماهنگ هستند. برای اثبات چنین ارتباطی باید مطالبات، سازمان‌دهندگان، زمان‌بندی و زمینه‌های هر اعتراض به طور جداگانه بررسی شود. با این حال، یک پرسش ساختاری باقی می‌ماند: دولت‌های اروپایی چگونه میان هزینه‌های دفاعی، تعهدات مالی، سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی و نیازهای نسل جوان توازن برقرار می‌کنند؟ اروپا با تناقضی مهم روبه‌رو است: از یک‌سو، در سطح بین‌المللی از دموکراسی و حقوق نسل‌های آینده سخن می‌گوید؛ از سوی دیگر، باید در داخل مرزهای خود نشان دهد که این ارزش‌ها در تصمیم‌های اقتصادی و نحوه مواجهه با اعتراض نیز حضور دارند.

از خیابان تا میز گفت‌وگو؛ چه باید کرد؟
نقد زمانی ارزش سیاسی پیدا می‌کند که راهی برای اصلاح بگشاید. اگر اعتراضات فرانسه نشانه انباشته شدن مطالبات اجتماعی باشد، برخورد تنها انتظامی نمی‌تواند راه‌حل پایداری فراهم کند. چند اقدام در این زمینه اهمیت ویژه دارد.
نخست، بازگشت سیاست به گفت‌وگو. دولت باید امکان مشارکت واقعی نمایندگان دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و اتحادیه‌ها را در بررسی مطالبات فراهم کند. گفت‌وگو زمانی معنا دارد که به تصمیم‌های قابل ارزیابی و زمان‌بندی‌شده منتهی شود، نه صرفاً ابزاری برای آرام کردن خیابان.
دوم، پاسخگویی بودجه‌ای. دولت باید روشن کند چه برنامه‌ای برای بهبود کیفیت آموزش، کاهش نابرابری و حمایت از جوانان در برابر فشارهای معیشتی دارد. وعده‌های کلی، بدون شاخص‌های قابل سنجش و منابع مالی مشخص، اعتماد از دست‌رفته را بازسازی نمی‌کنند.
سوم، شفافیت در عملکرد پلیس. ادعاهای مربوط به جراحات شدید باید به طور مستقل بررسی شوند. انتشار نتایج تحقیقات، رسیدگی موثر به شکایت‌ها و اصلاح رویه‌های پرخطر، از الزامات اعتماد عمومی است. حفظ نظم و صیانت از حقوق شهروندان دو ماموریت متعارض نیستند
چهارم، مسوولیت‌پذیری رسانه‌ای. رسانه‌ها باید میان واقعیت مستند، ادعای طرفین و تفسیر سیاسی تفاوت بگذارند؛ آمارها را با ذکر منبع منتشر کنند و از تعمیم رفتار گروهی محدود به کل معترضان بپرهیزند. همین معیار باید درباره روایت دولت نیز اعمال شود.
پنجم، نگاه بلندمدت به آینده نسل جوان. کیفیت آموزش، دسترسی به مسکن، امنیت شغلی، مشارکت سیاسی و امید به آینده، اجزای مرتبط یک مساله بزرگ‌ترند. هر سیاستی که این پیوند را نادیده بگیرد، ممکن است نارضایتی را موقتاً مهار کند، بی‌آنکه علت‌های آن را برطرف سازد.

آینه را نشکنیم
فرانسه، با همه دستاوردهای حقوقی و دموکراتیک خود، از بحران‌های اجتماعی و تناقض‌های حکمرانی مصون نیست. هیچ نظام سیاسی تنها به دلیل سابقه دموکراتیک یا ادعای دفاع از حقوق بشر، از ضرورت پاسخگویی معاف نمی‌شود. دموکراسی نه یک عنوان دایمی، بلکه فرآیندی است مستمر برای اصلاح قدرت، تضمین حقوق شهروندان و شنیدن صداهای منتقد. اعتراضات دانش‌آموزی، اگر با مطالبات گسترده‌تر اجتماعی پیوند بخورد، می‌تواند نشانه‌ای از شکاف میان انتظارات نسل جوان و توان پاسخگویی نهادهای سیاسی باشد. وظیفه دولت نه تنها بازگرداندن سکوت به خیابان، بلکه فهمیدن معنای نارضایتی و اصلاح زمینه‌های آن است. برای جامعه جهانی نیز این تحولات آزمونی فراتر از مرزهای فرانسه است. حقوق بشر زمانی اعتبار می‌یابد که معیار داوری درباره همه دولت‌ها باشد؛ نه ابزاری برای محکوم کردن رقیبان و نه سپری برای توجیه رفتار دوستان. نقد استاندارد دوگانه غرب، هنگامی اخلاقی و موثر است که خود به استاندارد دوگانه‌ای معکوس تبدیل نشود. مساله امروز انتخاب میان نظم و آزادی نیست؛ مساله، ساختن نظمی است که آزادی را تهدید نبیند و آزادی‌ای که حقوق دیگران را نادیده نگیرد. دولت مقتدر، دولتی نیست که صرفاً خیابان را کنترل کند؛ دولتی است که پیش از تبدیل نارضایتی به بحران، توان شنیدن، اقناع کردن و اصلاح خود را داشته باشد.

طبق آمار جدید سرمایه‌گذاری ۱۳ میلیارد یورویی انجام شد

رشد تولید روزانه نفت خام ایران

طبق آمار جدید، ظرفیت تولید روزانه نفت خام کشور از ۳ میلیون و ۴۳۰ هزار بشکه در شهریور امسال به ۳ میلیون و ۷۱۵ هزار بشکه در مهر ۱۴۰۵ رسیده است؛ افزایشی معادل ۲۸۵ هزار بشکه در روز و حدود ۸،۳ درصد.
صنعت نفت ایران در دو سال گذشته در شرایط تداوم تحریم‌ها، محدودیت منابع مالی و فناوری و تنش‌های امنیتی مسیر توسعه ظرفیت تولید را به صورت محسوسی تجربه کرده است. براساس آمارهای اعلام شده ظرفیت تولید روزانه نفت خام کشور از ۳ میلیون و ۴۳۰ هزار بشکه در شهریور امسال به ۳ میلیون و ۷۱۵ هزار بشکه در مهر ۱۴۰۵ رسیده است؛ افزایشی معادل ۲۸۵ هزار بشکه در روز و حدود ۸،۳ درصد.
همچنین تولید نفت در مهر ۱۴۰۵ نسبت به مهر ۱۴۰۴، ۵۵ هزار بشکه در روز افزایش یافته است.
از محورهای اصلی اقدامات این دوره، فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود، احیای چاه‌های کم‌بازده، توسعه میدان‌های مشترک و تقویت زیرساخت‌های فرآورش و انتقال بوده است. در همین چارچوب طرح ضربتی افزایش ۲۵۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت خام با اعتبار ۳ میلیارد دلار تعریف شده که تاکنون ۷۰ هزار بشکه در روز از هدف آن محقق شده است. تأمین مالی این طرح شامل ۸۰ درصد از منابع صندوق توسعه ملی و ۲۰درصد از منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران است.
علاوه بر موارد گفته شده قراردادهای توسعه میدان‌های آزادگان، آذر، چنگوله و بندکرخه با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۳ میلیارد یورو تنفیذ شده‌اند. در بخش زیرساخت نیز قراردادهای بخش خصوصی برای ایجاد ۳۱۵ هزار بشکه در روز ظرفیت جدید فرآورش منعقد شده و مجموع ظرفیت فرآورشی واگذارشده به این بخش به ۴۳۰ هزار بشکه در روز رسیده است. افزون بر این، ۱۲۹ دکل حفاری در کشور فعال‌اند و قرارداد تأمین خدمات ۲۰ دکل جدید به ارزش حدود یک میلیارد دلار برای حفر ۲۷۰ حلقه چاه منعقد شده است. به گزارش ایسنا، طبق اعلام شرکت ملی نفت، اکنون با تصدی سرپرستی وزارت نفت از سوی حمید بورد و تأکید بر تداوم برنامه‌های تولید و توسعه، تقویت سیاست‌های بازرگانی و فروش نفت، بازسازی نقاط آسیب‌دیده، جمع‌آوری گازهای مشعل و تسریع پروژه‌های آماده افتتاح، روند افزایش تولید نفت استمرار خواهد یافت. سرپرست وزارت نفت، در اظهارات اخیر خود بر پیگیری جدی امور فروش نفت و ضرورت همدلی و تلاش مضاعف کارکنان تأکید کرده و خواستار تبدیل ظرفیت‌های کشور به فرصتی برای سازندگی شده است. تداوم این مسیر به هماهنگی میان تولید، توسعه، فرآورش و فروش، تأمین مالی پایدار و بهره‌گیری از توان متخصصان داخلی وابسته است عواملی که می‌توانند ظرفیت ایجادشده را به تولید پایدار و درآمد قابل اتکا برای اقتصاد کشور تبدیل کنند.

تأمین پایدار آب صنایع تهران در گرو شتاب‌بخشی به پروژه‌ها و انتقال پساب

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران، هماهنگی بین‌دستگاهی و اجرای همزمان پروژه‌ها را از الزامات تأمین پایدار آب صنایع دانست و گفت: طرح‌های تأمین آب، انتقال پساب و تکمیل زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی باید بدون وقفه و با نظارت مستمر پیش بروند. به گزارش ایلنا از شرکت آب منطقه‌ای تهران، یاسر رهبردین در نشست با مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران، راهکارهای تأمین آب واحدهای تولیدی، تعیین تکلیف مطالبات مربوط به حق اشتراک، صیانت از سهم تخصیص‌یافته شهرک‌های صنعتی و وضعیت طرح‌های انتقال پساب را بررسی کرد. در این نشست، موضوع تأمین آب مورد نیاز شهرک‌های صنعتی از سدهای ماملو و نمرود، تسویه مطالبات مربوط به حق اشتراک و آخرین وضعیت اجرای خط انتقال پساب محمدیه برای تأمین نیاز واحدهای تولیدی بررسی شد. همچنین، تکمیل خط انتقال آب شهرک صنعتی شمس‌آباد از دیگر محورهای گفت‌وگو بود.
رهبردین با اشاره به اقدامات انجام‌شده در هفته‌های اخیر و بازدیدهای مستمر از پروژه‌ها اظهار کرد: عملیات اجرایی خط انتقال پساب محمدیه به‌صورت شبانه‌روزی و در چند شیفت کاری در حال انجام است. وی افزود: در صورت پرداخت سهم مالی شرکت شهرک‌های صنعتی و سایر ذی‌نفعان پروژه، امکان افتتاح این طرح در کمتر از شش ماه فراهم خواهد شد. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران با اشاره به نقش تأمین به‌موقع آب در توسعه فعالیت‌های صنعتی گفت: تأمین به‌موقع آب مورد نیاز واحدهای صنعتی می‌تواند به توسعه زنجیره ارزش، افزایش تولید و ایجاد اشتغال کمک کند و در بهبود معیشت مردم نقش موثری داشته باشد. وی در پایان با اشاره به ضرورت همکاری و تعامل مستمر با شرکت شهرک‌های صنعتی گفت: با توجه به جایگاه شهرک‌های صنعتی در بخش مصرف آب، لازم است امور منابع آب با احساس مسوولیت و هماهنگی لازم، اقدامات موثری را برای تأمین آب مورد نیاز این شهرک‌ها در دستور کار قرار دهند.

رشد ۷۷ درصدی ورودی آب سدهای کشور

براساس آخرین آمار، از ابتدای سال آبی تا تاریخ ۲۵ مهرماه ۹ سد بیش از ۷۰ درصد آب دارند و حجم کل مخازن سدهای مهم کشور نسبت به سال قبل ۲۹درصد افزایش داشته است.
به گزارش ایسنا، براساس آخرین آمارها از شرکت مدیریت منابع آب ایران، میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۲۵ مهرماه، معادل ۱.۱۹ میلیارد متر مکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۰.۶۷ میلیارد مترمکعب بوده، ۷۷درصد افزایش داشته است.
همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل ۴۷درصد افزایش داشته است.
حجم آب موجود مخازن اکنون ۲۳.۰۴ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۱۷.۷۹ میلیارد مترمکعب بوده ۲۹درصد افزایش داشته است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۴۴درصد است.
اما وضعیت برخی سدهای مهم کشور بیانگر این است که در ۱۳ سد، میزان پرشدگی کمتر از ۲۰درصد است، به‌طوری که همچنان سدهای لار، ماملو، زاینده رود، دوستی، طرق، پانزده خرداد، سبلان، شمیل و نیان، بارزو، بیدواز، تنگوئیه سیرجان، ساوه و کمال صالح کمتر از ۲۰درصد آب دارند و در مقابل ۹سد امیرکبیر، نهند، جگین، کوثر، قشلاق، آزادی، زیردان، دویرج و ایلام میزان پرشدگی آنها بیش از ۷۰درصد است. همچنین ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور معادل ۵.۹ میلیمتر است.
این مقدار بارندگی در دوره‌های مشابه در ازمدت ۵.۲ میلیمتر و در دوره مشابه سال آبی گذشته ۱.۸ میلیمتر را نشان می‌دهد و میزان بارندگی در سه استان صفر درصد بود.

جراحی خاموش در باک خودروها؛ مهار فاکتور ۱۲ میلیارد دلاری واردات بنزین

انسداد نشتی کارت‌های سوخت و رشد ۱۴درصدی مصرف سی‌ان‌جی، بحران واردات بنزین را در کوتاه‌مدت مهار کرد. به گزارش تسنیم، اخیراً مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور در خصوص نتیجه اقدامات انجام‌شده در حوزه بنزین گفته است: برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر در حوزه انرژی و سوخت موضوع صرفه‌جویی و مدیریت مصرف را در دستور کار قرار دادیم که با همراهی مردم، به‌میزان قابل توجهی صرفه‌جویی صورت گرفت.
وی با تأکید براینکه «امروز از واردات بنزین بی‌نیاز شده‌ایم در حالی که می‌بایست ۱۲ میلیارد دلار برای واردات بنزین موردنیاز هزینه می‌کردیم»، گفت: همه درآمد حاصل از افزایش قیمت سوخت، صرفه‌جویی و مدیریت مصرف به خود مردم پرداخت خواهد شد.
اظهارات رییس‌جمهور، مبنی بر بی‌نیازی کشور از واردات بنزین و مهار بار مالی ۱۲ میلیارد دلاری آن، بازتاب‌دهنده نقطه عطفی در مدیریت ناترازی انرژی است. پیش از این، شکاف فزاینده میان ظرفیت پالایشگاهی داخل و تداوم افزایش تقاضا، زنگ خطر خروج سالانه میلیاردها دلار ارز از کشور را به صدا درآورده بود؛ اما بسته ترکیبی اجراشده با اتکا به دو بال «ابزارهای قیمتی» و «سازوکارهای غیرقیمتی»، توانست معادله مصرف سوخت را حداقل در کوتاه‌مدت متوازن سازد. محور نخست این تحول در حوزه سیاست‌های قیمتی شکل گرفت. در این چارچوب، دولت با هدف کنترل الگوهای مصرف غیرمتعارف و کاهش فشار بر سهمیه پایه، ساختار چندنرخی را بازتعریف کرد. در گام اول، «نرخ سوم» بنزین پنج‌هزار تومانی کنار نرخ یارانه‌ای (۱۵۰۰ تومان) و نرخ آزاد سهمیه‌ای (۳۰۰۰ تومان) معرفی شد تا مصارف فراتر از سقف قانونی و متقاضیان سوخت آزاد مشمول پرداخت هزینه‌ای نزدیک‌تر به ارزش اقتصادی سوخت شوند. در ادامه این سیاست، دولت با تعدیل نرخ سوم و ارتقای آن به سطح ۱۰ هزار تومان در لیتر، سیگنال بازدارنده‌ای به دارندگان خودروهای پرمصرف و مصارف غیرضروری مخابره کرد، این بازتنظیم اقتصادی موجب شد یارانه سوخت تنها به سهمیه‌های پایه و معیشتی اصابت کند و هزینه رفتارهای پرمصرف به‌صورت پلکانی توسط خود مصرف‌کننده تسویه شود؛ عاملی که به‌صورت خودکار تقاضای مازاد و غیرضروری در جایگاه‌ها را تاحدی کنترل نمود. در بخش اقدامات غیرقیمتی، بنیادی‌ترین گام از طریق طرح «شناسه‌دار کردن کارت‌های اضطراری سوخت» برداشته شد، پیش از این، استفاده نامحدود و ناشناس از کارت‌های آزاد با رمز پیش‌فرض (۱۱۱۱)، سهم کارت جایگاه‌ها را به ۴۰ تا ۴۵درصد کل توزیع رسانده بود؛ وضعیتی که علاوه بر نقض تکلیف قانون برنامه هفتم مبنی بر انجام ۹۵درصدی سوخت‌گیری با کارت شخصی، بستر توزیع خارج از شبکه و قاچاق روزانه ۴ تا ۵ میلیون لیتر فرآورده را فراهم می‌کرد. با استقرار پایانه اختصاصی و اتصال برخط به سامانه مانا، متقاضی کارت اضطراری ابتدا کارت بانکی خود را می‌کشد و پس از استعلام ۱۰ ثانیه‌ای کد ملی و تعیین سقف حجم مجاز، رمز یک‌بارمصرف ۴رقمی دریافت می‌کند. این ردیابی هویتی مصرف‌کننده که با اجرای آزمایشی در ۱۰۰ جایگاه شهر تهران و پایش صدها هزار تراکنش به ثمر نشست، قاچاق سوخت به صنایع یا مرزها را مسدود کرد و با حذف تراکنش‌های کاذب، حجم قابل توجهی از مصرف کل کشور را کاهش داد.
توسعه و تشویق جایگزینی سوخت CNG، بازوی مکمل سیاست‌های غیرقیمتی دولت در مهار مصرف بنزین بود. ایران با در اختیار داشتن یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های توزیع گاز طبیعی فشرده و بیش از ۲۵۰۰ پایگاه فعال، از ظرفیت خالی قابل توجهی در این بخش برخوردار بود.
دولت با اعمال بسته‌های ترغیبی، تبلیغات گسترده رسانه‌ای و ارایه تسهیلات تبدیل ناوگان حمل‌ونقل عمومی و تاکسی‌های اینترنتی به سامانه‌های دوگانه‌سوز، بخش مهمی از بار مصرفی ناوگان پرتردد شهری را از دوش بنزین برداشت.
براساس اعلام مدیرعامل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی؛ تا مهر ماه شاهد افزایش ۱۴درصدی مصرف CNG بوده‌ایم که به‌معنای کاهش حدود ۲ میلیون لیتر بنزین در روز است، این انتقال هوشمند بار سوختی به گاز فشرده طبیعی، ضمن صرفه‌جویی محسوس در مصرف روزانه، حاشیه امنیت پایداری برای تراز فرآورده‌های نفتی کشور ایجاد کرد.
هم‌افزایی همزمان این راهکارهای سه‌گانه، زنجیره ناترازی را در هر دو بعد ساختاری و رفتاری متوقف کرد. افزایش بازدارندگی هزینه مصرف مازاد از طریق نرخ سوم ۱۰هزار تومانی، قطع روزنه قاچاق و مصارف غیرشفاف با شناسه‌دار کردن کارت‌های سوخت و هدایت ناوگان پرپیمایش به‌سمت گاز طبیعی، مصرف بنزین را در مدار منطقی قرار داد، در نهایت، تحقق این صرفه‌جویی و مدیریت یکپارچه مصرف نه‌تنها ناترازی خطرناک سوخت در کشور را برطرف کرد، بلکه مانع از الزام دولت به تخصیص ۱۲میلیارد دلار از منابع ارزی کشور برای واردات بنزین شد؛ ارزی که با تدبیر اتخاذشده، از هدررفت رهایی یافت و همان گونه که رییس‌جمهور تأکید کرد، در قالب تقویت زنجیره معیشتی و حمایت مستقیم به خود مردم باز خواهد گشت.

ناترازی گاز؛ ضرورت بازنگری در الگوی توسعه نیروگاهی

مدیرعامل شرکت توانیر در نشست تخصصی با جمعی از دانشجویان منتخب دانشگاه‌های برجسته کشور با تشریح ابعاد مختلف ناترازی انرژی، بر ضرورت بازنگری در حکمرانی انرژی، اصلاح رویکردهای توسعه‌ای، مدیریت هوشمند مصرف و بهره‌گیری از ظرفیت علمی و نخبگانی کشور برای حل مسائل ساختاری صنعت برق تأکید کرد. به گزارش ایلنا از توانیر، محمد الهداد با بیان اینکه ناترازی انرژی را نمی‌توان صرفاً با افزایش ظرفیت تولید برطرف کرد، اظهار داشت: عبور پایدار از این چالش، مستلزم توجه همزمان به تأمین سوخت، اقتصاد انرژی، مدیریت تقاضا، اصلاح الگوی مصرف و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری در نظام حکمرانی انرژی است. الهداد با اشاره به ضرورت بازنگری در الگوهای توسعه کشور، برخورداری از منابع طبیعی را به‌تنهایی برای دستیابی به رفاه عمومی و توسعه پایدار کافی ندانست و بر اهمیت سرمایه انسانی، نهادهای کارآمد و سازوکارهای اثربخش تصمیم‌گیری تأکید کرد. وی با اشاره به وضعیت برخی مناطق برخوردار از منابع نفت و گاز که همچنان با چالش‌های توسعه‌ای مواجه‌اند، خاطرنشان کرد: تبدیل ظرفیت‌های طبیعی به ثروت پایدار و رفاه عمومی، به نحوه مدیریت منابع، کیفیت سیاست‌گذاری و میزان بهره‌گیری از دانش و سرمایه انسانی وابسته است. به گفته مدیرعامل توانیر، همین منطق در صنعت انرژی نیز صدق می‌کند؛ به این معنا که برخورداری از منابع گسترده انرژی، بدون اصلاح سازوکارهای حکمرانی و استفاده بهینه از منابع، لزوماً به پایداری تأمین و بهره‌وری اقتصادی منجر نخواهد شد. مدیرعامل توانیر با اشاره به تشدید چالش تأمین سوخت نیروگاه‌ها در پی تحولات اخیر، بر لزوم بازنگری در مبانی برنامه‌ریزی برای توسعه ظرفیت تولید برق تأکید کرد. الهداد تصریح کرد: برنامه‌ریزی برای احداث نیروگاه‌های جدید باید براساس ارزیابی واقع‌بینانه از امکان تأمین پایدار سوخت، محدودیت‌های زیرساختی و الزامات اقتصادی انجام شود؛ چراکه افزایش ظرفیت نیروگاهی، بدون تضمین تأمین سوخت موردنیاز، به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت انرژی کشور را تأمین کند. وی با اشاره به تجربه کشورهای اروپایی در مواجهه با بحران تأمین انرژی پس از جنگ اوکراین، تنوع‌بخشی به سبد انرژی، کاهش آسیب‌پذیری در برابر محدودیت‌های سوخت و توسعه سازوکارهای هوشمند مدیریت مصرف را از الزامات افزایش تاب‌آوری نظام انرژی دانست. الهداد با اشاره به سرمایه‌گذاری سنگین و زمان‌بر بودن احداث نیروگاه‌های جدید، مدیریت تقاضا را از مهم‌ترین ابزارهای در دسترس برای کاهش فشار بر شبکه برق عنوان کرد. وی با بیان اینکه احداث یک نیروگاه سیکل ترکیبی استاندارد، به سرمایه‌گذاری قابل توجه و زمان کافی نیاز دارد، اظهار داشت: در شرایطی که توسعه ظرفیت تولید با محدودیت‌های مالی، فنی و زمانی مواجه است، مدیریت مصرف و اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان می‌تواند در کوتاه‌مدت نقش موثری در کاهش ناترازی ایفا کند. مدیرعامل توانیر افزود: مدیریت مصرف نباید صرفاً به محدودسازی مصرف‌کنندگان تقلیل یابد، بلکه باید با اصلاح الگوی مصرف، ارتقای بهره‌وری انرژی، توسعه فناوری‌های هوشمند، اصلاح سازوکارهای اقتصادی و افزایش مشارکت اجتماعی همراه شود. به گفته وی، تغییر پایدار در رفتار مصرفی جامعه، نیازمند آگاهی‌بخشی موثر، سیاست‌گذاری منسجم و مشارکت فعال همه بخش‌های مصرف‌کننده است؛ رویکردی که می‌تواند در کنار توسعه زیرساخت‌ها، به استفاده کارآمدتر از منابع انرژی کشور منجر شود. مدیرعامل توانیر با تأکید بر ضرورت تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت برق، مساله‌شناسی دقیق را نقطه آغاز هرگونه اقدام اصلاحی و نوآورانه دانست. الهداد با اشاره به اینکه ارایه راهکارهای موثر مستلزم شناخت صحیح ابعاد مساله است، بر ضرورت تبدیل ظرفیت علمی دانشگاه‌ها به راه‌حل‌های عملیاتی و قابل ارزیابی برای مسائل صنعت برق تأکید کرد. وی ایجاد بسترهای عملیاتی برای مشارکت دانشگاه‌ها در حل مسائل صنعت برق، راه‌اندازی آزمایشگاه‌های سیاستی برای ارزیابی پیشینی پیامدهای تصمیمات کلان، شکل‌دهی شبکه سفیران صنعت برق در دانشگاه‌ها و تقویت نوآوری اجتماعی را از محورهای مهم توسعه این همکاری‌ها برشمرد. به گفته مدیرعامل توانیر، تعامل دانشگاه و صنعت زمانی به نتایج ملموس منجر خواهد شد که از سطح نشست‌ها و تبادل نظرهای مقطعی فراتر رود و در قالب همکاری‌های مستمر، مساله‌محور و نتیجه‌گرا دنبال شود. الهداد در جمع‌بندی مباحث خود، ناترازی انرژی را مساله‌ای چندبعدی دانست که حل آن به اقدامات هماهنگ در حوزه‌های فنی، اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی نیاز دارد. وی تأکید کرد: افزایش ظرفیت تولید، بدون توجه به پایداری تأمین سوخت و مدیریت تقاضا، راهکاری کافی برای عبور از ناترازی نیست. در مقابل، ترکیب توسعه زیرساخت‌ها با اصلاح حکمرانی انرژی، ارتقای بهره‌وری، مدیریت هوشمند مصرف و بهره‌گیری از ظرفیت دانشگاه‌ها می‌تواند مسیر دستیابی به پایداری بیشتر در تأمین انرژی را هموار کند. مدیرعامل توانیر همچنین بر ضرورت استفاده نظام‌مند از دانش و توان تخصصی نخبگان برای ارزیابی سیاست‌ها، شناسایی گلوگاه‌های ساختاری و طراحی راهکارهای مبتنی بر شواهد تأکید کرد؛ رویکردی که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش کارآمدی تصمیم‌گیری و تقویت تاب‌آوری صنعت برق کشور باشد.

ادامه از صفحه اول

واقعیت پشت واکنش سریع بازار سهام

با این حال، وقوع بیش‌واکنش نیز به‌خودی‌خود نشان نمی‌دهد که واکنش اولیه بازار هیچ ارتباطی با تحولات نداشته است. عامل دیگری که جایگاه بورس را از بسیاری از بازارهای دیگر متمایز می‌کند، امکان دسترسی به اطلاعات و بررسی وضعیت شرکت‌هاست. انتشار اطلاعیه‌های مالی، گزارش‌های عملکرد ماهانه و اطلاعات مربوط به تغییرات بااهمیت شرکت‌ها در سامانه کدال، بستری فراهم می‌کند که سرمایه‌گذاران بتوانند بر مبنای داده‌های منتشر شده، وضعیت بنگاه‌ها را ارزیابی کنند. البته سازوکار انتشار اطلاعات در بازار سرمایه همچنان ظرفیت بهبود و تکمیل دارد و نمی‌توان آن را بدون نقص دانست. با وجود این، سطح دسترسی به اطلاعات رسمی شرکت‌ها و امکان بررسی عملکرد آنها، بورس را در مقایسه با بازارهایی مانند مسکن و خودرو در موقعیت متفاوتی قرار می‌دهد. در این بازارها، ارزیابی ارزش دارایی‌ها و پیش‌بینی روند قیمت‌ها ممکن است با دشواری بیشتری همراه باشد و اطلاعات نیز به شکل یکسان و منظم در دسترس همه فعالان قرار نگیرد. وجود چنین زیرساختی در بورس باعث می‌شود تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران سریع‌تر در قیمت‌ها منعکس شود. هنگامی که ریسک‌های سیاسی افزایش پیدا می‌کنند، فعالان بازار می‌توانند علاوه بر ارزیابی فضای عمومی، آثار احتمالی تحولات را بر فعالیت شرکت‌ها و چشم‌انداز سودآوری آنها نیز در نظر بگیرند. در نتیجه، بازار سهام به محلی تبدیل می‌شود که بخشی از انتظارات جدید در آن زودتر از سایر بازارها نمایان می‌شود. یکی از موضوعات مهم در روزهای منفی بازار سرمایه، ارتباط میان افت قیمت‌ها و اعتماد عمومی است. ممکن است بخشی از سهامداران، به ویژه سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای یا افرادی که با هدف کسب سود در کوتاه‌مدت وارد بازار شده‌اند، کاهش شاخص‌ها را نشانه‌ای از بی‌ثباتی یا نامناسب بودن بورس تلقی کنند. برای این گروه از سرمایه‌گذاران، تداوم افت قیمت‌ها می‌تواند نگرانی ایجاد کند و حتی تصمیم به خروج از بازار را به دنبال داشته باشد. با این حال، باید میان افت طبیعی قیمت‌ها در واکنش به تغییر شرایط و مخدوش شدن اعتماد عمومی به سازوکار بازار تفاوت قائل شد. اگر بازار سرمایه در مواجهه با افزایش ریسک‌های سیاسی، انتظارات خود را اصلاح کند و قیمت‌ها با شرایط جدید تطبیق پیدا کنند، این اتفاق لزوما به معنای تضعیف اعتماد نیست. برعکس، امکان انعکاس تحولات در قیمت‌ها یکی از ویژگی‌های مهم بازارهای معاملاتی است. مساله اصلی زمانی شکل می‌گیرد که فعالان بازار احساس کنند قواعد بازی برای همه یکسان نیست و تصمیم‌گیران یا مقام ناظر به نفع گروهی خاص از سهامداران اقدام می‌کنند. اگر این تصور به وجود بیاید که منافع برخی بازیگران بزرگ، از جمله دولت، بر حقوق و منافع سایر سرمایه‌گذاران اولویت دارد، زمینه بی‌اعتمادی جدی‌تر خواهد شد. در چنین وضعیتی، نگرانی دیگر صرفا به افت قیمت سهام محدود نمی‌شود، بلکه اعتبار سازوکار تصمیم‌گیری و اطمینان سرمایه‌گذاران به منصفانه بودن معاملات نیز زیر سوال می‌رود. بازار سرمایه را باید با توجه به ویژگی‌های خاص خود ارزیابی کرد. نقدشوندگی بالا، دسترسی به اطلاعات و امکان انجام معاملات در شرایط مختلف، موجب می‌شود بورس سریع‌تر از بسیاری از بازارهای دیگر به تحولات واکنش نشان دهد. بنابراین، مشاهده افت قیمت‌ها در دوره افزایش تنش‌های سیاسی، به تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره قربانی شدن بازار یا از بین رفتن اعتماد عمومی کافی نیست. در عین حال، نباید از این واقعیت غافل شد که واکنش سریع بازار همیشه به معنای واکنش دقیق و متناسب نیست. هیجان، نگرانی و رفتارهای کوتاه‌مدت می‌توانند شدت تغییرات را افزایش دهند و باعث شوند قیمت‌ها بیش از اندازه به تحولات واکنش نشان دهند. از این‌رو، شناخت تفاوت میان تعدیل طبیعی قیمت‌ها و بیش‌واکنش بازار اهمیت زیادی دارد. آنچه می‌تواند اعتماد عمومی به بازار سرمایه را به شکل جدی تضعیف کند، صرفا قرمز شدن تابلو یا کاهش قیمت سهام نیست، بلکه احساس تبعیض، جانبداری در تصمیم‌گیری‌ها و تردید نسبت به رعایت حقوق برابر سرمایه‌گذاران است. بورس به دلیل نقدشوندگی و شفافیت نسبی خود، آینه سریع‌تری برای انعکاس شرایط اقتصادی و سیاسی است؛ اما حفظ اعتماد عمومی به این بازار، بیش از هر چیز به ثبات قواعد، تصمیم‌گیری منصفانه و اطمینان از رعایت حقوق همه سهامداران وابسته است.

انتهای سیری‌ناپذیر مصرف گاز

چراکه هزینه درج‌شده در قبوض هنوز آنقدر گزنده نیست که شهروندان را به بستن داوطلبانه شیر رادیاتور یا در اتاق‌ها وادار سازد. اما فراتر از رفتارهای خرد خانوار، فاجعه اصلی در حوزه زیرساخت و تجهیزات می‌گذرد: ما امروز در کشور با بیش از ۲۵ میلیون بخاری سنتی با بازدهی پایین و غیراستاندارد روبه‌رو هستیم. در بسیاری از مناطق روستایی و حاشیه‌ای، برای گرم نگه‌داشتن یک خانه شش یا هفت بخاری همزمان روشن می‌شود؛ بخاری‌هایی که بخش عمده ارزش حرارتی گاز را به صورت دودکش به هدر می‌دهند. در سال‌های گذشته و در دولت دوازدهم، طرح تعویض بخاری‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های پربازده مطرح شد، اما متاسفانه در سال‌های بعد این پرونده مهم تقریباً رها شد و اقدامات انجام‌شده تنها به تولید و توزیع ناچیز ۱۱ هزار دستگاه محدود ماند که در برابر اقیانوس ۲۵ میلیونی بخاری‌های فرسوده، عملاً صفر است. باید بی‌پرده خطاب به افکار عمومی و رسانه‌ها فریاد زد: فصل سرما در راه است و دوباره این ۲۵ میلیون بخاری کم‌بازده روشن خواهند شد تا روزانه ده‌ها میلیون مترمکعب گاز را ببلعند. دفاع از اصلاح این شیوه به معنای دفاع صرف از گرانی نیست؛ سخن بر سر ارزش ذاتی گاز به عنوان ثروتی ارزآور برای کشور است. گازی که امروز در بخاری‌های فرسوده خاکستر می‌شود، می‌توانست در قالب خوراک پتروشیمی‌ها، مشتقات باارزش صنعتی یا صادرات پایدار با خطوط لوله به عراق، ارمنستان، منطقه و حتی اروپا، صدها میلیون دلار درآمد ارزی برای تأمین معیشت همین مردم خلق کند. اگر دولت شجاعت اصلاحات ساختاری در نوسازی وسایل گرمایشی و عایق‌بندی را نداشته باشد و مردم نیز الگوی زیستی خود را بازتنظیم نکنند، زمستان پیش‌رو نه فقط با قطعی گاز خانگی، بلکه با فلج شدن صنایع و نیروگاه‌ها، بهای سنگینی بر پیکره اقتصاد نحیف کشور تحمیل خواهد کرد.